

جایگاه کانونی مؤلفه معنویت در الگوی پیشرفت اسلامی^۱

محمد رضا زالی^۲ سیدحسین شرف‌الدین^۳

چکیده

دو صفت رحمان (رحمت عام الهی) و رحیم (رحمت خاص الهی) حاکی از دو نوع تعامل خداوند با بندگانش است. مؤمنین و جامعه ایمانی، مشمول رحمت خاص الهی و دیگر انسان‌ها مشمول رحمت عام او هستند. رحمت عام در پرتو عنایت و اراده عام الهی، متناظر با قواعد و قوانین تکوینی عالم است که علم و دانش بشری، متکفل فهم و استخراج آن است. رحمت خاص در پرتو اراده خاص الهی، متناظر با قوانین و مداخله تشریحی خداوند در عالم است که در سویه‌های سلب و فیض نمودار می‌شود. جامعه غیر دینی، بر مدار قوانین تکوینی عالم، به هدفی که ترسیم کرده و پاداش یا نتیجه طبیعی برنامه‌ریزی و عمل خود منتهی می‌شود. در مقابل، نتیجه فعالیت و برنامه‌ریزی جامعه دینی در چارچوب قوانین تکوینی عالم، می‌تواند همان نتیجه یا کمتر یا بیشتر باشد. جامعه دینی با تکیه بر عنصر ایمان و تقوا می‌تواند به نتیجه‌ای مضاعف و دوچندان دست یابد.

بر این اساس، خروجی الگوی توسعه غربی تکنولوژی (سخت‌افزار) و خروجی الگوی پیشرفت اسلامی، انسان کامل (نرم‌افزار) است. تمرکز جامعه غیر دینی، بر کشف و استخراج هر چه بیشتر قوانین تکوینی عالم و نقطه تمرکز جامعه دینی علاوه بر تلاش در راستای کشف و فهم قوانین تکوینی، تلاش برای افزایش ایمان و تقوا است.

واژگان کلیدی: ولایت و ربوبیت تکوینی، ولایت و ربوبیت تشریحی، رحمان، رحیم، ایمان، تقوا، رزق،

پیشرفت

مقدمه (بیان مسأله)

برنامه توسعه در کشورهای غربی با هدف تسخیر جهان طبیعت بر گسترش ابزارهای تکنولوژیک، تمرکز داشته است. تلاش برای دستیابی به رفاه و برخورداری هر چه بیشتر از مواهب مادی و دنیوی در کنار کمترین رنج

^۱. تاریخ دریافت: 93/12/10 تاریخ پذیرش: 94/02/15

^۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم / کارشناس ارشد ارتباطات zali_medya@yhoo.com

^۳. استادیار جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی = shraf@qabas.net

انسانی را می‌توان دو سویه مدل غربی توسعه در نظر گرفت. انسان در این رویکرد از سوئی باید از بیشترین رفاه مادی برخوردار باشد و از سوی دیگر در این مسیر باید کمترین رنج جسمانی را متحمل شود. به‌عنوان مثال اگر تهیه خوراک روزانه، نیازمند کشاورزی بوده و در جوامع بدوی برای استحصال یک واحد گندم به بالاترین درگیری جسمی و نیروی بدنی انسان نیاز بوده است؛ بشر با اختراع ابزار در مسیر دستیابی به بیشترین میزان خوراک در عین کاهش کاربرد نیروی جسمانی انسان گام برداشته است. اختراع آتش، چرخ، نیروی الکتریسیته و مانند آن، چیزی جز آگاهی به قوانین تکوینی حاکم بر جهان هستی نیست. لذا کاربرد دانش در مسیر توسعه، به کشف قوانین تکوینی ترجمه می‌شود. قانون تکوینی، قانونی است که در چارچوب قانون علیت، مقدمات و علت یا عوامل رسیدن به معلول مورد نظر را بیان می‌کند. قوانین تکوینی در حوزه‌های مختلف زیستی، فلسفی، منطقی، اجتماعی و ... حضور دارند. قانون تکوینی در حوزه امور طبیعی و زیستی می‌گوید آب در دمای صد درجه می‌جوشد، زمین دارای جاذبه است و هر شیئی که از فاصله‌ای معین در آسمان رها شود به‌نسبت وزنی که دارد با سرعتی معین به‌سوی زمین ساقط می‌شود. در یک بیان کلی، هر حکم و قانونی که علوم تجربی به آن دست پیدا کرده یا می‌کند قانونی تکوینی در جهان هستی است که از آغاز خلقت دنیا وجود داشته و تا پایان آن نیز باقی خواهد بود.

دستیابی به مواهب بیشتر مادی، هدف از توسعه در رویکرد غربی است. در این رویکرد، کشف ابزارهای تکنولوژیک، یکی از اهداف میانی برای رسیدن به آن هدف غائی به‌شمار می‌رود. راهبرد وصول به این هدف یعنی آنچه بیشترین انگیزه برای حرکت در این مسیر را برآورده می‌کند محوریت نفع شخصی است. این مدل و الگوئی مبتنی بر قوانین شناخته شده تکوینی حاکم بر انسان و هستی است. وجه مادی توسعه در اهداف، اصول و راهبردها، مشخصه ویژه الگوی غربی توسعه است.

تحول در این تلقی از جهان و انسان، مکاتب مختلفی را در الگوی توسعه پدید آورده است. ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، مبنای دیگری برای تفاوت در مکاتب اقتصادی و الگوهای توسعه به‌شمار می‌رود. اسلام به‌عنوان یک مکتب فکری و عملی که دارای رویکرد معرفتی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی ویژه‌ای است، مسیر توسعه و پیشرفت جامعه را بر مبنای همین اصول بنیادی تعریف و بیان می‌کند. توسعه در اسلام، یک مفهوم چند بعدی است که علاوه بر بعد مادی و تلاش در راستای سلطه بر قوانین تکوینی، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل روحی، نفسانی و اجتماعی است. مطالعه تأثیر عاملی مانند صلح بر آبادانی شهرها یا طولانی شدن عمرها (بحار الأنوار، ج 47، ص 162) تنها در چارچوب این رویکرد و مفهوم چند بعدی توسعه قابل تبیین است. نوشتار حاضر به‌دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا ایمان و تقوا، نقش و تأثیری در برخورداری بیشتر جامعه دینی از مواهب طبیعی دارند؟ و آیا این تأثیرگذاری، نتیجه قطعی و نمایان برخورداری جامعه دینی از رفاه مادی را به‌دنبال دارد؟

تکوین و تشریح

جهان هستی و جوامع انسانی در پویش مادی خود، از چارچوب‌هایی برخوردارند که برخی ثابت و برخی متغیراند. الگوهای ثابت عمل در حوزه انسان و طبیعت با عنوان تکوین و الگوهای متغیر آن با عنوان تشریح شناخته می‌شوند. الگوهای ثابت موجود در زیست‌جهان طبیعی و انسانی، اموری هستند که دانشمندان در طول تاریخ علم،

در صدد کشف قانون‌مندی حاکم بر آن بوده‌اند.

ربوبیت و مدیریت عالم وجود از سوی باری تعالی در دو حوزه تکوین و تشریح جاری است. ربوبیت تکوینی عالم، مدیریتی فراگیر و جهان‌شمول است که از مسیر قوانین تکوینی حاکم بر آن عبور می‌کند. هیچ معلول مادی، فارغ از تحقق علل تکوینی آن که توسط خداوند در عالم وجود مقرر شده تحقق خارجی نخواهد داشت. بشر برای رسیدن به مقاصد خود همواره تحت سلطه و مدیریت تکوینی خداوند بر عالم، در صدد بازشناسی این قوانین تکوینی بوده است. کشف آتش و اختراع چرخ به‌عنوان اولین عناصر شناخته شده تکوینی از سوی انسان، عامل تحول بزرگی در حیات مادی بشر بوده است. امروزه دانشمندان می‌کوشند با اشراف هر چه بیشتر بر این قوانین و الگوهای ثابت تکوینی، عرصه حیات مادی خویش را به جغرافیای راه‌های آسمانی و دیگر کهکشان‌ها توسعه دهند. این اولین گام ضروری توسعه است که به‌عنوان تنها گام، در الگوها و رویکردهای غربی و مادی توسعه، دنبال می‌شود.

این در حالی است که ربوبیت الهی محدود به الگوهای ثابت تکوینی نیست. جهان هستی در کنار اراده عام الهی که به حوزه امور تکوینی تعلق گرفته است تحت تأثیر و نفوذ اراده خاص الهی یا الگوهای متغیر تشریحی نیز قرار دارد. توجه به حوزه ربوبیت تشریحی خداوند بر عالم وجود و زمینه‌های تحقق آن، فارغ از این که این دو اراده در عرض یا در طول یکدیگر قرار دارند چشم‌انداز دیگری را پیش روی ما خواهد گشود که نقطه تمایزی برای الگوی پیشرفت اسلامی از الگوی غربی توسعه را رقم خواهد زد.

انسان از آن جهت که موجودی مختار است هم‌چون گیاهان و حیوانات و جمادات در چارچوب بسته قواعد تکوینی اسیر نیست. بلکه فراتر از آن، رفتار و امور حیات مادی و معنوی‌اش تحت ربوبیت و مدیریت تشریحی خداوند قرار دارد (به سوی تو، ص 197). تبیین این دو مفهوم در ادبیات دینی، متکی به دو صفت رحمان و رحیم در خداوند است.

رحمان و رحیم

وجود چارچوبی فراگیر در جهان هستی برای زندگی موجودات، نعمتی از سوی خداوند به بندگان است تا همگان به‌طور برابر در سایه آن، کنش‌های انسانی و حیوانی خویش را سامان دهند (فصلت: 10؛ اِسراء: 66). نعمت ربوبیت و قوانین تکوینی در صفات حضرت باری، متناظر با رحمانیت او است. رحمان، اسم خاص و صفت عام (المیزان، ج 1، ص 38) خداوند و بیانگر تفضلات و نعمت‌هایی است که همه موجودات و انسان‌ها اعم از کافر و مؤمن در آن متنعم‌اند «رحمان، مختص است به افاضه تکوینیه، که هم مؤمن را شامل می‌شود، و هم کافر را». (المیزان، ج 1، ص 38) بشر بر هر مسلک و مکتب اعتقادی و عملی، از فیض عمومی خداوند بهره‌مند بوده و نعمت‌های آسمانی و زمینی در اختیار حیات نباتی و حیوانی او قرار دارند (كَلَّا نُمَدُّ هُوَآءَ وَهُوَآءٌ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا) (اِسراء: 20). ربوبیت عام و تکوینی خداوند در چارچوب قانون فراگیر علت و معلول و بر پایه صفت رحمانیت، تدبیر و هدایت عام همه هستی را سامان می‌دهد و همه موجودات را از رحمت رحمانیه خداوند برخوردار می‌سازد (قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) (طه: 50؛ ر.ک به سوی تو، صص 203 و 204).

تفضل ویژه و رحمت خاصه الهی که متناظر با ربوبیت تشریحی او است با صفت رحیم شناخته می‌شود. رحمت خاصه الهی شامل حال بندگان خاص و مؤمن بوده و کافران را شامل نمی‌شود (تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، ج 1، ص 32). آیات بسیاری در قرآن و روایات متعددی این عموم و اختصاص را مورد تأکید قرار می‌دهند (نوح: 10-12؛ هود: 73؛ حدید: 28؛ طلاق: 4). «هم چنان که خدای تعالی فرمود: (وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا)، خداوند همواره، به خصوص مؤمنین رحیم بوده است [احزاب: 43]، و نیز فرموده: (إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُفٌ رَحِيمٌ)، به درستی که او به ایشان رؤف و رحیم است [توبه: 117]، و آیاتی دیگر. و به همین جهت بعضی گفته‌اند: رحمان عام است، و شامل مؤمن و کافر می‌شود، و رحیم خاص مؤمنین است» (المیزان، ج 1، ص 30). انسان مؤمن به واسطه ایمان و تقوا، در دنیا و آخرت مشمول رحمت خاص خداوند قرار می‌گیرد (تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، ج 1، ص 30 به نقل از عیون الاخبار ج 2، ص 16، ح 37؛ «عن الرضا- علیه السلام- انه قال فی دعائه: (ممن الدنيا و الافرة و میمهها)»). فیض و رحمت خاص الهی، گستره حیات مادی و معنوی مؤمنین را فراگرفته و توفیق بهره‌مندی مضاعف از مواهب مادی و هدایت در امور دینی و دنیوی را نصیب ایشان می‌گرداند (نورالثقلین، ج 1، ص 14). استاد مصباح یزدی "دام‌ظله" در تفسیر آیه چهارم سوره حمد، اساس رحمت رحیمیه الهی را ناظر به حیات این جهانی دانسته و وجوهی از آن را که در نشئه مادی حیات، قابل تحقق نیست موقوف به آخرت می‌داند (به سوی تو، ص 205).

توفیق، یکی از مفاهیمی است که در ادبیات دینی، چگونگی تحقق این تدبیر و اراده خاص الهی را تبیین می‌کند «خداوند برای رسیدن به سعادت که خواسته‌ای همگانی است، وسایل و ابزار کافی را در اختیار انسان نهاده است. بخشی از این وسایل عبارت‌اند از اراده، قدرت و اختیار که به وسیله انسان رقم می‌خورند؛ اما بخشی از آنها، شرایط و زمینه‌هایی هستند که خداوند مستقیماً آنها را تأمین می‌کند؛ نظیر توفیق الهی که باید ضمیمه اراده انسان شود تا او به مقصد برسد. پس همه مراحل و خواسته‌ها، تنها با تصمیم انسان محقق نمی‌شود بلکه در کنار اراده، باید شرایط بیرونی که از اختیار و اراده انسان خارج هستند نیز فراهم شوند؛ مثلاً گاهی انسان تصمیم می‌گیرد درس بخواند اما برای توفیق در این کار باید رفیق مناسب و استاد شایسته داشته باشد و از سلامت جسمی و روحی نیز برخوردار باشد. چنان که گفتیم، مدبر این امور هم که به بُعد اختیاری حیات انسان و جنبه تکاملی وی مربوط می‌شود، خداوند است. ... علاوه بر این تدبیر، ربوبیت و رحمت عام که انسان نیز مشمول آن است، انسان از ربوبیت، تدبیر ویژه و رحمت خاص خداوند نیز بهره می‌برد و خداوند بر اساس رحمت رحیمیه خود، زمینه‌های تکامل و توفیق رسیدن به کمال را در اختیار او می‌نهد و او را از هدایت خاص خود برخوردار می‌سازد» (به سوی تو، صص 203 و 204). دو رویکرد دیگر در تبیین چگونگی تأثیر ایمان و تقوا بر حیات مادی و اجتماعی بشر ارائه شده است.

الف: رویکرد مادی

مادی‌گرایان، امور هستی را تنها بر پایه مشاهدات و لایه روئین آن تحلیل و تبیین می‌کنند. در این رویکرد، هیچ پدیده‌ای در عالم وجود، ایجاد و معدوم نمی‌شود مگر آن‌که علتی مادی در ایجاد یا انهدام آن نقش داشته باشد. در این نگاه به هستی، حتی معجزات انبیاء الهی اموری خارج از دایره علل و معالیل مادی نبوده و اگر برای ما یا

مردمان آن دوران، خارق‌العاده یا ماورائی به نظر می‌رسند؛ به دلیل عدم شناخت کافی از علت مادی وقوع آن است. به‌عنوان مثال در تحلیل معجزه شکافتن دریا توسط حضرت موسی⁷ می‌گویند آن حضرت از وقوع جزر و مد دریا اطلاع داشته و در یک موقعیت مکانی و زمانی مناسب، یاران خود را از خشکی حاصل از آن عبور داده است و به‌دنبال آن فرعونیان که از این قانون آگاهی نداشتند با ورود به میان خشکی پدید آمده، دچار انقضاء زمان طبیعی واقعه جزر شده و به مد دریا گرفتار غرق و هلاک شده‌اند. هم‌چنین معجزه شفای بیماران توسط حضرت عیسی⁷ را اقدامی در چارچوب عوامل طبیعی و نوعی طبابت می‌دانند که آن حضرت بر آن اشراف و علم داشته است (معارف قرآن، صص 133-134). قرآن، ضمن اشاره به این‌که این مقدار، تنها سطحی از دانش و حقیقت حاکم بر عالم وجود است، پیامبر⁹ را از وقوف در این مرحله و همراهی با مادی‌اندیشان پرهیز می‌دهد (فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ) (نجم: 29 و 30).

چنین رویکردی، برخورداری مضاعف از مواهب مادی یا برکات آسمان و زمین را نیز این‌گونه تحلیل می‌کند. از این منظر، هر جامعه‌ای خواه مؤمن یا ملحد در هر نقطه‌ای از شرق و غرب عالم که به اعمال صالح و ارزش‌های اخلاقی هم‌چون صداقت و راستی و پرهیز از نیرنگ و فریب و دورویی آراسته باشد؛ هم‌دلی و هم‌راهی و یک‌رنگی جامعه را به‌دنبال خواهد داشت. هم‌کاری و پشتیبانی از یکدیگر در مقاصد مشترک، اقدامی طبیعی است که نتیجه طبیعی رشد و شکوفائی بیشتر را به‌دنبال خواهد داشت. علوم انسانی سکولار، می‌کوشد وقایع اجتماعی را با چنین رویکردی تحلیل و مطالعه کند. بررسی آسیب‌های اجتماعی در دانش سکولار جامعه‌شناسی، با هدف بازشناسی علل متعارف پدید آمدن آسیب‌ها و نیز آثار طبیعی و زیان‌بار اجتماعی آن است.

تأثیرگذاری ایمان و عمل صالح یا نقطه مقابل آن، جرائم اعمال بشر بر حیات فردی و اجتماعی در چارچوب قانون علت و معلول مادی، امری مورد وفاق اندیشمندان الهی و سکولار است. سخن بر سر محدود کردن بازشناسی چنین تأثیری در اسباب و مسببات مادی است. گرچه ممکن است بشر با روش‌های تجربی، قادر به تحلیل مادی و شناخت آثار مطلوب و نامطلوب اعمال فردی و اجتماعی بر فرآیند حیات فردی و جمعی خود باشد اما موضوع، محدود به این مقدار نیست. آنچه قرآن و روایات در بیان اثربخشی عمل صالح بر سعادت حیات اجتماعی بشر عنوان می‌کنند منوط به ایمان و عبودیت حضرت ربوبی است. در حالی که تحلیل مادی دانش سکولار اجتماعی، قادر به خروج از دایره عالم ماده و تأثیر و تأثرات حاکم بر آن نیست. قرآن، گشایش رحمت و برکات آسمان و زمین بر جامعه را به عمل صالحی منوط دانسته که برآمده از عبودیت و ایمان باشد (اعراف: 96). این اناطه و اشتراط، حاکی از اثربخشی فزاینده والاتری است که در چارچوب تحلیل‌های مادی‌اندیشمندان سکولار نمی‌گنجد. تحلیل مبتنی بر رویکرد مادی یا سکولار مورد اشاره، قادر به فهم و تحلیل حضور عنصر ایمان در نتیجه و تأثیر رفتارهای صالح اعضای جامعه نیست.

ب: رویکرد عرفانی

معلول، جلوه‌ای از وجود علت و پرتوی از وجود او و هر معلولی نسبت به علت مناسب خود، مانند نسبت سایه به صاحب سایه است. سایه، تنها جلوه‌ای پوشالی از حقیقت وجود شیء و مشحون از نقصان است چرا که

نقص از لوازم مرتبه معلولیت است.

نشئه مادی و طبیعت، مسبوق الوجود نشئه‌های دیگر است تا به حق اول و خداوند سبحان یا علّه‌العلل و غنی بالذات و واجب‌الوجود منتهی گردد. نشئه طبیعت و عالم وجود و هستی، چون سایه‌ای از نشئه حقیقی عوالم دیگر مانند عالم مثال و عالم عقل است؛ مشحون از نقصان و آمیخته به کاستی‌ها است. عالم ماده، عالم مرکب است و هر چه از آن به سوی عوالم بالاتر فاصله بگیریم به عالم مجردات نزدیک می‌شویم.

عالم ماده، عرصه نقصان و گرفتاری و کمبودها است؛ «دارُ بالبلاء ممفوفة» (نهج البلاغه، ص 348) یعنی لذت‌اش هم توأم با رنج است. عالم مجردات اما عرصه حضور حقایق و فاقد نقصان‌های توأم با رنج‌ها و دردها و گرفتاری‌ها است (رسالة الولاية، ص 26). نشئه دیگری تحت عنوان نشئه مجردات (عالم مثال و عالم عقل یا عالم تجرد) وجود دارد که این لذت‌ها و کمالات به نحو خالص و بدون هیچ شائبه و محدودیتی در آن موجود می‌باشد «در عالم تجرد که ما فوق عالم مثال است همه این محدودیت‌ها و مرزبندی‌ها ساقط می‌باشد و تمامی این کمالات و لذات به طریق وحدت و جمع و کلیت و ارسال موجود است» (همان، ص 28).

امام خمینی = می‌نویسد «بدان‌که وجود هر چه بسیط‌تر و به وحدت نزدیک‌تر باشد کثرات را شامل‌تر و احاطه‌اش بر اشیاء متضاد تمام‌تر خواهد بود. و اشیائی که در عالم زمان متفرق‌اند و از یک‌دیگر جدا هستند در عالم دهر مجتمعات‌اند و در گرد هم. و اشیائی که در عالم خارج، متضاد و ضد یک‌دیگراند و در وعای ذهن، ملایم هم‌دیگراند و اشیائی که در نشئه اولی با یکدیگر اختلاف دارند در نشئه آخرت با هم متفق‌اند. همه این‌ها به آن جهت است که ظرف‌ها هر چه به عالم وحدت و بساطت نزدیک‌تر باشد وسعت‌شان بیشتر خواهد بود» (شرح دعای سحر، صص 56-57).

آدمی با عبودیت و عمل صالح برآمده از ایمان، از نشئه عالم ماده به نشئه عوالم دیگر، نزدیک می‌شود و وجودی مجرد می‌یابد. نزدیکی به نشئه مجردات هر قدر بیشتر، فاصله گرفتن از نقائص وجود و اعمال عالم امکان بیشتر. عمل برای نشئه باقی در دار فانی، عاملی است که می‌تواند موجب رهایی از بخشی از رنج‌ها باشد. عملی موجب تقرب به عالم معنی و مجردات است که برخاسته از عبودیت باشد. عمل صالحی که همراه با ایمان و عبودیت نباشد چنین اثری نداشته و خودش آمیخته به نقص و دنیا است. عملی که عاری از هوای نفس و سرشار از خواست خدا و عبودیت او باشد آدمی را از این نشئه نقصان به نشئه کمال پرواز می‌دهد. آدمی با چنین سلوکی در عین حضور در نشئه ماده، از برکات و کمالات و لذات متراکم نشئه مجردات بهره‌مند می‌شود.

وجود مجرد و مقرب آدمی و جامعه، از وسعت و ظرفیت بالاتری برای برخوردار شدن از مواهب عالم وجود و لذات و نعمات و کثرات هستی برخوردار خواهد بود. وجود مجرد آدمی در مراتب سلوک و معرفت به قدرت تأثیرگذاری بر پیرامون خود از انسان و جمادات دست می‌یابد. ولایت تکوینی انسان کامل، مرتبه والای این سیر کمالیه است. اعمال ولایت تکوینی، مشروط و منوط به اراده انسان کامل است و بندگان صالح، به جهت تقرب و سرسپردگی به خواست ربوبی، کمتر آن‌را مورد استفاده قرار می‌دهند (ر.ک: سخنان حسین بن علی 7 از مدینه تا کربلا، ص 354) ولی اثر وجودی انسان کامل بر هستی و جامعه انسانی پیرامون خود منوط به اراده نیست. حتی جمادات و هر آنچه در عالم هستی و طبیعت مادی، موجود است از وجود و حضور انسان مقرب، بهره‌مند شده و تأثیر

می‌پذیرد. صرف حضور انسان کامل در یک محیط جغرافیائی یا جامعه انسانی، رادع عذاب و جاذب برکات است (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ) (انفال: 33؛ بحارالانوار، ج 12، ص 60).

سعه این اثربخشی، متأثر از مراتب تقرب انسان مؤمن و سعه وجودی و کمال یافته او است؛ هر قدر مقرب‌تر و هر قدر از مراتب کمالیه برخوردارتر، اثرگذاری او بیشتر «البته متناسب با لیاقت، اراده و خواست مؤمنان، سطح بهره‌مندی آنان از صفت رحیمیت الهی نیز متفاوت می‌شود. و چه بسا فاصله بین درجه‌ای از بهره‌مندی از رحمت خاص الهی با درجه‌ای که بندگان برگزیده خدا بدان رسیده‌اند برای ما قابل تصور نباشد. این جاست که لطف خاص الهی، رفیق راه می‌شود و هر قدر توجه ما به خدا و درک مقام بندگی او فزونی گیرد؛ لطف خداوند بیشتر می‌شود و بهره ما از رحمت رحیمیه الهی افزایش می‌یابد» (به‌سوی تو، صص 204-205).

آدمی با سلوک الی الله، به نشئه‌ای از وجود و مرتبه‌ای از آن نائل می‌شود که شئون وجودی‌اش شئون مجرد می‌شود و آثار موجود مجرد می‌یابد. نشئه ماده، نشئه نقص و محدودیت است و سعه وجودی انسان در مرتبه وجود مادی، محدود بوده و قابلیت دریافت و شمول فیض و رحمت خاصه الهی را ندارد. انسان کافر در نازل‌ترین مرتبه وجودی، تنها به حکم رحمانیت خدا مشمول فیض و رحمت عامه است. انسان مؤمن با سیر الی الله و تقرب به او، به وجود مجرد نزدیک می‌شود و هر قدر در مراتب تجرد وجود، بالا می‌رود؛ سعه وجودی‌اش گسترش یافته و ظرفیت بیشتری برای دریافت فیض الهی پیدا می‌کند. در این مراتب کمالیه تا جایی پیش می‌رود که در شئون مختلف وجود، با دیگران متفاوت می‌شود. دیدنی‌های‌اش، شنیدنی‌های‌اش، سخن‌اش و تمام کردار و رفتارهای‌اش در ظرف مجردات تحقق می‌یابد (بحارالانوار، ج 67، ص 13؛ ج 70، ص 1). چیزی می‌بیند که دیگران نمی‌بینند و این می‌شود بصیرت او که حاصل دیگری از تقوا است (انفال: 29). چیزی می‌فهمد و درک می‌کند که دیگران نمی‌فهمند و می‌شود علم به‌عنوان اثر دیگری از تقوا (بقره: 282) و سخنان‌اش مجرای حکمت الهی قرار می‌گیرد (بحارالانوار، ج 70، ص 24). لازمه بهره‌مندی از آثار و برکات و فیوضات عالم مجردات، خروج از نشئه مادی هستی و ورود به عالم مجرد است که با ایمان و عمل صالح و عبودیت الهی، تحصیل و اکتساب می‌شود (ر.ک ره‌توشه (پندهای پیامبر 9 به ابوذر)، ج 2، ص 246).

مفاهیمی مانند توفیق و برکت در ابعاد مختلف وجودی زندگی انسان مؤمن را شاید بتوان با این رویکرد عرفانی نیز تحلیل کرد. در هر حال، تفصیل تحلیل چگونگی حصول رحمت و برکت از رهگذر ایمان و عمل صالح، موکول به رساله‌های عرفانی ارباب معرفت است و ما را در این مقام، همین کفایت که ایمان و عمل صالح برخاسته از آن، چنین اثری در ابعاد وجود آدمی داشته و آن نیز از ناحیه حضرت ربوبی "جَلَّ وَ عَلَى" است.

پیشرفت و رونق مادی در سایه ایمان و تقوا

تقوا و عمل صالح برخاسته از ایمان، آثار عدیده‌ای بر وجود مادی و مجرد انسان و جهان به‌دنبال دارد. بخشی از این آثار ناشی از سعه وجودی برآمده از تقوای انسان مؤمن، پیش از این مورد اشاره قرار گرفت. افزایش رزق و روزی و گسترش برخوردارگی مادی و پیشرفت در مقاصد این جهانی، از دیگر آثار برشمرده شده برای تقوا است. انسان مؤمن و جامعه دینی از رهگذر ایمان و تقوا مشمول فیض و رحمت خاصه الهی شده و برای بهره‌مندی

مضاعف از تمتعات مادی و نعمت‌های دنیوی، شایستگی پیدا می‌کند. خداوند به حکم ربوبیت تشریحی با اراده خاص خود او را در سایه قوانین تشریحی از نعمت‌های گوناگون بهره‌مند می‌گرداند. در حالی که انسان غیر مؤمن، محکوم به قوانین تکوینی بوده و در چارچوب قانون علت و معلول، محکوم به حاصل طبیعی تلاش‌ها و تدابیر خود است؛ انسان مؤمن در دایره رحمت خاصه الهی، تحت هدایت و ربوبیتی است که او را فراتر از تدبیر اندیشه محدود انسانی خود، به مقصود مورد نظر رهنمون می‌شود (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) (طلاق: 2 و 3).

علامه طباطبائی = در ذیل آیه شریفه، ضمن اشاره به این‌که بخشی از نعمت‌ها و برکات و روزی، ناظر به رزق مادی است می‌نویسد از آثار انفکاک از نفسانیت و حاکم ساختن اراده خدا به جای اراده خود و توکل بر او این است که خود خدا امور زندگی مادی و معنوی‌اش را سامان می‌دهد و از طریق اسبابی که محاسبه و تدبیر نمی‌کرد روزی او را به بهترین شکل در مسیر وصول او قرار می‌دهد (المیزان، ج 19، ص 528).

گشایش در امور مادی و رسیدن روزی از راه‌های محاسبه نشده و غیر قابل تدبیر و سنجش انسانی، به معنای نفی قانون علیت نیست. قانون علیت سنتی تکوینی و عمومی است که در گستره هستی، جاری بوده و به عنوان لطفی از سوی پروردگار، مصداق اتم رحمانیت او است. تدبیر تکوینی و تشریحی عالم وجود نیز از طریق اسباب و مسببات و در چارچوب قانون علیت صورت می‌پذیرد (جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص 130).

آنچه توجه به آن ضروری می‌نماید این است که قوانین علمی و اسباب و علل مادی، تنها مصادیقی از قانون کلی علیت هستند. هم‌چنان‌که معلول، محدود به امور مادی و جسمانی و وجودات محسوس نیست؛ علت نیز می‌تواند از امور مجرد و نفسانی بوده و گاه هم‌چون علل و معالیل اجتماعی، مرکب از امور جسمی و روحی باشد (همان). رویکرد مادی به قانون علیت و در نظر نداشتن دیگر انواع علت که وجودی مجرد، نفسانی، روحی یا الهی دارند حوزه‌ای تحت عنوان امور اتفاقیه را در تحلیل‌های فردی، اجتماعی و هستی‌شناختی باز می‌کند. این در حالی است که هیچ‌یک از وقایع خرد و کلان عالم وجود از روی تصادف و اتفاقی نیست (همان، ص 155). مفاد قانون علیت، چیزی بیش از این نیست که هیچ معلولی بدون علت، وجود نمی‌یابد و تخلف هیچ معلولی از علت آن میسر نیست (همان، ص 130). قانون علیت در مفاد خود، ورودی به چستی علت‌ها و چگونگی معلول‌ها ندارد. نگاه جامع به انواع مادی، مجرد، فردی، اجتماعی، ماورائی و الهی علت، تنها زمینه مساعد برای تحلیل درست وقایع و پدیده‌ها در چارچوب قانون علیت است «به عقیده ما، نظم و نظام عالم را فقط کسی می‌تواند بی‌خلل و عاری از استثناء و خالی از تصادف و اتفاق بیابد که هم به اجتناب‌ناپذیری امور از باب ضرورت ترتب معلول بر علت قائل باشد و هم به اراده و مشیت لایزال الهی و تدبیر و تقدیر حکیمانه خدای متعالی و ما به هردو قائلیم» (همان، ص 156). لذا رحمت خاصه الهی بدون نقض آن سنت قطعی، مجاری واسعه‌ای به وسعت علم لایتناهی حضرت حق داشته و به واسطه محدود نبودن راه‌های گشایش در امور مادی و حیات این جهانی انسان مؤمن به مجرای اسباب طبیعی، خللی در این اساس مسلم وارد نیست.

توضیح این مهم نیز ضروری است که سخن از روزی دادن خداوند ضرورتاً به معنای عدم مداخله هیچ‌یک از عوامل طبیعی نیست. رسیدن روزی انسان مؤمن از جایی که پیش‌بینی نمی‌کرد به معنی آن نیست که گرده نانی

مستقیماً و بدون دخالت عوامل طبیعی از آسمان برای او نازل می‌شود «خدا روزی می‌دهد، همان نانی است که گندم‌اش را کشاورز می‌کارد، باران‌اش از آسمان نازل می‌شود، حرارت‌اش از خورشید می‌تابد، آسیابان، آسیاب می‌کند، نانوا می‌پزد، بنده و جناب‌عالی می‌خوریم» (معارف قرآن، ص 118). اما هم‌چنان که تا علت تامه به مجموعه آن تحقق نیابد، معلول موجود نمی‌شود؛ برخی علل از علت‌های جانشین برخوردارند و عدم آگاهی نسبت به علت‌های جانشین، تصور وقوع تصادفی معلول را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند. استاد مصباح یزدی "دام‌ظله" در تبیین انواع علل مجموعی و جانشینی ضمن بیان این‌که موجودیت و اثربخشی همه عوامل در پرتو وجود و علیت ذات باری است؛ به علل ماوراء طبیعی اشاره کرده و می‌نویسد «چنین چیزی هست که گاهی بین عوامل طبیعی و بعضی از عوامل ماوراء طبیعی، مسأله جانشینی مطرح می‌شود و یکی جای دیگری را می‌گیرد» (همان، صص 118-119 و 121-122). با این توجه، فیضان رحمت حق می‌تواند در حوزه فراهم آمدن و راه‌یابی بشر به اسباب و علت‌ها شامل حال انسان مؤمن شده و حیات فردی و اجتماعی او را در بر گیرد. سخن دیگر این است که علت، چیزی جز مجرای فیض الهی که در سنت تکوینیه الهی، توسط خداوند تعیین گردیده نیست. فهم این معنی که خداوند، خود را مجرای بی‌واسطه فیض خویش قرار دهد چندان دشوار نخواهد بود. گرچه امور عالم از طریق اسباب و مسببات، جریان می‌یابد ولی این خداوند است که بر اساس حکمت بالغه خویش، اسباب و علل معالیل را تعریف و جعل می‌کند. همان خداوندی که دست‌یابی به نعمت‌های الهی را معلول تلاش در چارچوب قواعد تکوینی عالم قرار داد فرمود که تقوا و ایمان نیز از جمله علل شمول و نزول رحمت و برکات آسمان و زمین و روزی بندگان است. همان‌گونه که تأثیرگذاری در عرصه علل تکوینی، منوط به حضور و نقش‌آفرینی اراده عام الهی است؛ در علل خاصه‌ای مانند ایمان و تقوا نیز اراده خاصه الهی، علت موجد اثرگذاری ایمان و عمل صالح خواهد بود.

بر این مبنا گرچه علیت یک قانون تکوینی تغییرناپذیر است اما باید توجه داشت که علل موجد و مؤثره در عالم، محدود به عوامل طبیعی و مادی نبوده و علل ماورائی نیز از جمله عناصر دخیل و مؤثر در عالم امکان به‌شمار می‌روند. انسان مؤمن از رهگذر تقوا، خواست خدا را بر خواست خود مقدم داشته و در مسیر مدیریت حیات مادی، به تلاش‌ها و گردآوری شخصی خود دل‌خوش نبوده است (یونس: 58). خداوند، سرور و شادی چنین بنده‌ای را در فضل و رحمت خاصه خویش قرار داده و روزی او را نه تنها در حوزه تکوین و در آسمان‌ها و زمین بلکه در حوزه تشریح و افعال اختیاری دیگر بندگان، به‌استناد اراده خاص خود ضمانت فرموده است (بحار الأنوار، ج 67، ص 73 به نقل از کافی، ج 2).

انسان مؤمن و جامعه دینی

برخورداری بیشتر انسان مؤمن از مواهب مادی، به جامعه دینی نیز تعمیم می‌یابد. هم‌چنان‌که انسان کافر تنها مشمول ربوبیت و قوانین تکوینی و محکوم به نتیجه متعارف تلاش خود در چارچوب علل طبیعی است؛ مدار پیشرفت و توسعه جامعه الحادی نیز محدود به حوزه تکوین و فیض رحمانی است. در مقابل، جامعه دینی هم‌چون انسان مؤمن، تحت ربوبیت و رحمت خاصه الهی، مشمول نعمت‌ها و برکات ویژه در حیات مادی خود از سوی حضرت ربوبی است.

مبنای سرایت قانون تکوینی و تشریحی رحمت عام و خاص الهی از فرد به جامعه، به رسمیت شناختن هویت مستقل جامعه در اندیشه اجتماعی اسلام است. علامه طباطبائی = ضمن برشمردن آیات بسیاری از قرآن که جوامع را با هویت جمعی آن‌ها و فراتر از آحاد تشکیل دهنده آن، مورد خطاب قرار داده و به طاعت و عصیان و ثواب و عقاب متصف نموده و دارای کتاب و پرونده اعمال و عمر یا اجل محتوم و حیات و ممات دانسته می‌نویسد «قرآن کریم غیر از آن‌چه که برای افراد هست، وجودی و عمری و کتابی و حتی شعوری و فهمی و عملی و اطاعتی و معصیتی برای جامعه قائل است» (المیزان، ج 4، صص 152-153).

استاد مصباح یزدی "دام‌طله" در عین حال که هویت و شخصیت مستقل برای جامعه را به رسمیت نشناخته و ضمن رد وحدت حقیقی و حتی فلسفی جامعه، به اصالت فرد اعتقاد دارد؛ اجتماع انسانی را واقعیتی عینی می‌داند که منشأ انتزاع مفهومی مانند جامعه بوده و از قوانین تکوینی و تشریحی برخوردار است (جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص 143).

حضرت آیت الله جوادی آملی "دام‌طله" نیز این هویت جمعی و همانندی فرد و جامعه در تحمل آثار و تبعات اعمال صالح و طالح خود را مورد تأیید قرار داده و می‌نویسد «فرد، خانواده، قبیله، گروه و جامعه، هرگاه به تعالیم الهی آن (قرآن) عمل کنند؛ نتایج مثبت می‌گیرند و اگر بدان پشت پا زنند؛ به دامان بلا گرفتار می‌آیند. سعادت و هلاکت، هر دو از نتایج اعمال آن‌ها است» (تفسیر موضوعی قرآن، ج 17، ص 402).

خواه جامعه، آن‌گونه که علامه طباطبائی = معتقد است وجودی مستقل از افراد تشکیل دهنده آن داشته باشد یا آن‌سان که علامه مصباح یزدی "دام‌طله" تصریح می‌کند بدون داشتن هویت و وجود فلسفی مستقل، تحت تأثیر اعمال جمعی قرار داشته و از قانون‌مندی برخوردار باشد؛ می‌توان سنت رحمت خاصه الهی را از انسان مؤمن به جامعه دینی تعمیم و سرایت داد. بر این مبنا جامعه غیر دینی نیز هم‌چون کافران، تحت ربوبیت و قانون تکوینی و رحمانیت خداوند بوده و جامعه دینی مشمول ربوبیت و قوانین تشریحی و رحمت و اراده خاصه الهی است «آیات فراوانی هست که سیئات و گناهان در بلائی عمومی و در رنج و گرفتاری‌های جامعه نقش داشته و نیز طاعات و حسنات در فزونی نعمات و نزول برکات الهی در اجتماع انسانی سهم دارند» (المیزان، ج 7، ص 18). آیات قرآن، این هویت جمعی را مورد تصریح قرار داده و ایمان و تقوای آن‌را زمینه‌ساز نزول برکات مادی و معنوی خداوند بر جامعه دانسته است (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: 96).

علامه طباطبائی =، در ذیل آیه 8 سوره طلاق (طلاق: 8)، صورت جمعی جامعه را به واسطه نافرمانی از اوامر الهی، مورد عقوبت شدت محاسبه و عذاب در همین دنیا دانسته و ضمن اشاره به این آیه شریفه، برکات الهی ناشی از ایمان و تقوا را نیز به گشایش در زندگی مادی و تنعمات دنیائی تفسیر می‌کند (المیزان، ج 19، ص 543). استاد مصباح یزدی "دام‌طله" در توضیح آیه شریفه به برخی از این مواهب مادی اشاره کرده و می‌نویسد «دلالت می‌کند بر این‌که اگر همه یا اکثر افراد یک جامعه، اهل ایمان و تقوا شوند؛ برکات آسمانی و زمینی مانند نزول به‌هنگام و فراوان بارش‌های آسمان، ازدیاد محصولات کشاورزی و دامپروری و دفع آفات از آن‌ها، صحت و سلامت بدنی، آسایش و آرامش روحی و امنیت اجتماعی، بر آنان افزایش چشم‌گیر می‌یابد» (جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص 144). این

سنت الهی در مورد پیروان انبیاء پیشین نیز جریان داشته و قرآن با صراحت بیشتری بهره‌مندی ایشان از مواهب مادی را در صورت عمل به آموزه‌های کتب آسمانی بیان کرده است (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ) (مائده: 66).

جامعه در هویت جمعی خویش، متأثر از فضای عمومی حاکم بر جامعه بوده و اقلیت، محکوم به مقتضای عمل اکثریت است. استاد علامه مصباح یزدی "دام‌طله"، شامل حال اقلیت شدن روحیه و رفتار اکثریت جامعه را یک قانون جامعه‌شناختی به‌شمار آورده است (جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص 144). آیه شریفه اخیر نیز در پایان به این نکته اشاره کرده و تلویحاً اعمال بد اکثریت را مانع برخورداری اقلیت از مواهب رحیمیه حضرت حق "جل‌و‌علی" دانسته است. هویت فردی، رفتارهای فردی و شمول رحمت خاصه برای فرد را به‌دنبال دارد. به‌همین سیاق، هویت جمعی نیز متناسب با تقوای جمعی است «جمله «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا...» دلالت دارد بر این‌که افتتاح ابواب برکت‌ها، مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است نه ایمان یک نفر و دو نفر از آن‌ها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند» (المیزان، ج 8، ص 254).

بهره‌مندی جامعه از مواهب رحیمیه، علاوه بر تقوای فردی آحاد جامعه، از کانال تقوای جمعی می‌گذرد. جامعه باید علاوه بر تلاش برای گسترش تقوا در افراد و رفتارهای فردی، مترصد رفتارها و حرکتهای جمعی بوده و آن‌ها را نیز با موازین تقوا انطباق دهد.

قطعی نبودن برخورداری از مواهب مادی

پذیرش بهره‌مندی انسان مؤمن و جامعه دینی از مواهب بیشتر مادی به‌عنوان یکی از قانون‌مندی‌های حاکم بر حیات جامعه انسانی، عدم انطباق آن با واقعیات عینی را به پرسشی جدی بدل خواهد ساخت. به‌واقع نه تنها در سویه اثباتی بلکه در وجه سلبی آن نیز انسان غیر مؤمن و جوامع غیر دینی به محرومیت از تنعمات مادی دچار بوده و چه بسا در وضعیتی برتر نسبت به ایشان قرار دارند. بهره‌مندی رؤیائی کافران از مواهب مادی در قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته و نامحدود نبودن آن‌ها را تنها به دلیل پیشگیری از کافر شدن همگان می‌داند (وَلَوْ لَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَانِ لِيُؤْتَهُ مِن سَفَقًا مِّن فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهِ إِ يَظْهَرُونَ* وَ لِيُؤْتِيَهُمُ آبَؤَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكُونَ* وَ زُخْرَفًا وَ إِنَّ كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...) (زخرف: 33-35).

مفاد قانونی که تا کنون مورد بحث قرار گرفت بهره‌مندی قطعی و فوری جامعه دینی از مواهب مادی نیست. گرچه فوریت تحقق معلول به‌دنبال تحقق علت تامه، اصلی ضروری است ولی رحمت خاصه الهی در حوزه ربوبیت تشریحی، معلول اراده خاص الهی است. به بیان دیگر، علت‌العلل بهره‌مندی مورد اشاره در آیات مورد استناد، اراده خاص خداوندی بوده و ایمان و تقوا مؤلفه‌های ضروری ولی فقط زمینه‌ساز تحقق این اراده تشریحی است. استاد علامه حسن‌زاده آملی "دام‌طله" پس از آن‌که نیل به مرتبه انسان کامل از رهگذر عبودیت را راه‌کار فهم باطن و حقیقت قرآن و وصول به مرتبه قدرت و ولایت تکوینی و تصرف در امور عالم می‌داند می‌گوید سالک باید در این راه ثابت قدم باشد و اگر به او ندادند مایوس نگردد «با رضای محض و تسلیم صرف باید به راه افتاد اگر دادند متشکر، اگر ندادند عجله نکن صابر باش» (ولایت تکوینی، ص 25).

با استناد به آیاتی که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، اصل این بهره‌مندی مضاعف، وعده تخلف‌ناپذیر

خداوند بوده و تردیدی در آن نیست اما زمان تعلق اراده خاصه الهی به آن، از مصالح و حکمت‌هایی تبعیت می‌کند که در دایره فهم و دانش محدود بشری نیست. ساحت رحمت خاصه الهی، ساحت قانون تکوینی نیست که تحقق علت، تحقق بلافضل معلول را به دنبال داشته باشد. این جا ساحت اراده عامه الهی نیست بلکه عرصه اراده خاصه الهی بوده و متناسب با موقعیت، اشخاص و مصالح و حکمت عالی‌ه الهی در بهترین زمان ممکن تحقق می‌یابد.

لازمه بهره‌مندی از آثار و برکات و فیوضات عالم مجردات، خروج از نشئه مادی هستی و ورود به عالم مجرد است که با ایمان و عمل صالح و عبودیت الهی تحصیل و اکتساب می‌شود. هر چند این خروج و ورود، اکتسابی است ولی فیض و رحمت الهی، اعطائی است و لازمه ضروری ورود به آن عوالم، برخورداری فوری و بالضروره از مواهب نیست. عقوبت به منظور تطهیر از گناهان گذشته و امتحان، از جمله عوامل تأخیر در اعطاء خاصه ربانی است.

عقوبت یا کیفر اعمال

قدم گذاشتن در مسیر صلاح و تقوا، شمول رحمت خاصه و امداد الهی را به دنبال دارد. اولین مهربانی و رحمت الهی در حق بنده سالک، زدودن تاریکی‌های روحی حاصل از خطاهای گذشته است. ورود به مراتب عالی‌ه تقرب و صفای باطن، نیازمند رفع زنگارهای ناشی از معصیت است. اولین مرحله قدم گذاردن در راه ایمان و تقوا می‌تواند مواجهه با رنج و سختی‌های جسمی و مادی باشد. سالک باید این سختی‌ها را به فال نیک گرفته و آن را نشانی از پذیرفته شدن در درگاه ربوبی بداند. لازمه قرار گرفتن در سلک مؤمنان، خلوص و صفای باطنی است که از رنجوری حاصل می‌شود. ریاضت، نخستین گام سیر و سلوک است.

نقطه اساسی و آغازین تفاوت انسان مؤمن با کافر در پاک شدن از سیئات اعمال در همین دنیا است. در روایت است دو نفر که یکی را مار و دیگری را عقرب نیش زده بود به محضر علی⁷ آوردند. حضرت فرمودند این‌ها را رها کنید، درد می‌کشند اما نه مرگ‌شان فرا رسیده نه از درد نجات پیدا می‌کنند. بعد از دو ماه که در شدت بیماری به خودشان پیچیدند، حضرت به دنبال آن‌ها فرستاده به نزد ایشان آوردند. امام⁷ پس از احوال‌پرسی فرمود از گناهی که شما را به این حال انداخت استغفار کنید و از آنچه اجر شما را ضایع و بارتان را سنگین می‌کند به خدا پناه ببرید. هیچ‌یک از شما به این مصیبت مبتلا نشد مگر به واسطه گناهی که مرتکب شده بود. سپس به یکی از ایشان رو کرده فرمود یادت هست در جلسه‌ای که تو حضور داشتی فلانی به سلمان فارسی خرده گرفت و او را به خاطر ولایت ما مورد طعن قرار داد و تو در حالی که در هیچ محذور و تهدیدی نسبت به خود، خانواده و دارائات نبودی آن‌را رد نکردی و سخنی سخیف نشمردی و از سلمان دفاع نکردی؟ این بلاء به واسطه آن گناه به تو رسیده است. سپس راه توبه او را تقوایبشگی معرفی نموده فرمود اگر می‌خواهی این بلا از تو رفع شود تصمیم بگیر که حتی در خفاء هم مدافع و یاری‌گر شیعیان ما در برابر بهانه‌جویان باشی (مستدرک الوسائل؛ ج 12، صص 335 و 336).

عقوبت، یکی از راه‌های تربیت نفوس مستعده و مؤمنینی است که به هر دلیل به معصیت آلوده شده‌اند. در آغاز دعای ابوحمزه ثمالی از عقوبت تأدیبی و مکر خدا به خود او پناه می‌بریم «إِلَهِی لَا تُؤَدِّبْنِی بِعُقُوبَتِکَ وَ لَا تَمْکُرْ

بی فی میلّک» (مصباح المتجهّد، ج 2، ص 582). اهل معنائی (حاج اسماعیل دولابی) گفته بود «هر وقت در زندگی ات گیری پیش آمد و راه‌بندان شد بدان خدا کرده است، زود برو با او خلوت کن و بگو با من چه کار داشتی که راهم را بستی؟ هر کس گرفتار است در واقع گرفته یار است. ... هر وقت غصه‌دار شدید برای خودتان و برای همه مؤمنین و مؤمنات از زنده‌ها و مرده‌ها و آن‌هایی که بعدا خواهند آمد استغفار کنید».

گاهی رزق و رحمت خاصه و برکات الهی به واسطه ایمان و عمل صالح برای انسان مؤمن تقدیر می‌شود ولی پیش از آن که به دست او برسد به دلیل لغزش و ارتکاب گناه از شایستگی دریافت آن خارج و از او باز ستانده می‌شود. هم‌چنان که گامی به سوی ایمان و عمل صالح، او را مشمول رحمت خاصه و موهبتی الهی می‌نماید؛ آلودگی به گناه، نعمت و سلب توفیق و عنایت الهی را به دنبال دارد (ر.ک ره‌توشه (پندهای پیامبر 9 به ابوزر)، ج 1، ص 114).

خداوند انسان مؤمن را در لحظه‌لحظه حیات و اعمال‌اش، تحت عنایت و ربوبیت خود حفظ کرده و با روش‌های گوناگون به سوی کمال معنوی و خلوص نفسانی هدایت می‌کند (تغابن: 11). این که در مناجات از خدا می‌خواهیم که حتی برای چشم بر هم زدنی ما را به حال خود رها نکند (تفسیر کنز الدقائق، ج 8، ص 273 / المصباح، ص 267)، تمنای باقی ماندن در ذیل ذی‌جود ربوبیت خاصه است. اما کافران را به حال خود رها کرده تا هر چه می‌خواهند از روی عدل یا ظلم به مواهب مادی، دسترسی داشته باشند و فریب و نیرنگ را نیز در جمله علل دست‌یابی به معلول و مقصد مادی خویش لحاظ کنند. این ظلم و فساد تا زمانی که با وعده یاری انسانی مؤمن یا به منتهای عقوبت هلاکت کلی (اسراء: 16) مواجه نگردد ادامه خواهد داشت. بهشت و تمام تنعم و بهره‌مندی کافران در همین دنیا است «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ بَيْتُهُ الْكَافِرِ» (اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، ج 1، ص 52). همین مقدار تمتع مادی در دنیا نیز محدود به چارچوب قوانین تکوینی و علل مادی حاکم بر عالم بوده و از رحمت خاصه الهی بی‌بهره است. انسان کافر و جامعه الحادی به حال خود رها شده است و تنها در حدود قوانین تکوینی به برنامه‌ریزی و عمل و نتایج متعارف حاصل از آن می‌نشیند. خداوند، خطاب به پیامبر خویش فرمود از رهگذر توحید به بیداری و حیات جاودان وارد شو و از غفلت نسبت به من بپرهیز زیرا کسی که از من غافل شود را به حال خویش رها می‌کنم تا در هر وادی ممکن، هلاک گردد (حج: 31؛ بحار الانوار، ج 74، ص 29).

لذا توجه به این مهم در مسیر ایمان و تقوا ضروری است که رحمت الهی در دو سویه سلب و فیض نمودار می‌شود. سلب تنعمات مادی، اولین رحمت ویژه‌ای است که از سوی پروردگار، حیات مادی انسان مؤمن را فرا می‌گیرد. سلوک توأم با این آگاهی در مسیر ایمان و تقوا، انسان مؤمن و جامعه دینی را از مأیوس شدن و انصراف از پیمودن مراتب کمالیه، باز خواهد داشت. توجه مستمر به قانون قطعی بهره‌مندی از رحمت خاصه الهی و نزول برکات آسمان و زمین در طول مسیر سلوک الی الله، موجب خواهد شد تا انسان مؤمن، خود را همواره در مسیر پیشرفت به سوی تعالی مادی و معنوی دانسته و محرومیت‌های مقطعی را نیز در راستای آن قانون کلی تفسیر کند. آن‌چه به ظاهر عقب‌گرد و بر خلاف غایت مطلوب تنعم در پرتو رحمت الهی پنداشته می‌شود، در واقع جزئی از حرکت کلی و رو به جلو در طریق وصول به غایت مطلوب پیشرفت و بهره‌مندی از تفضلات الهی است.

یکی دیگر از عواملی که صورت محقق و نمود بیرونی احوال مؤمنین و جوامع دینی را با قانون رحمت خاصه و بهره‌مندی مضاعف ایشان ناسازگار نشان می‌دهد گرفتاری ایشان به ابتلائات امتحانی پروردگار است. هم‌چنان که در عقوبت اعمال نیز مورد اشاره قرار گرفت، فضل و رحمت خاصه الهی در دو سویه فیض و سلب نمودار است. رحمت الهی تنها به معنای نزول نعمت‌های مادی نبوده و گاه نعمتی که خداوند بنده مؤمن خود را در آن گرفتار می‌کند برای او عین رحمت است. جلوه‌ای از رحمانی بودن این قبیل ابتلائات، پیش از این مورد اشاره قرار گرفت. جلوه دیگر آن، بستر مساعدی است که موفقیت در آزمون الهی برای بنده مؤمن به‌ارمغان خواهد آورد. فلسفه خلقت بشر، تحصیل تعالی و سعه وجودی هر چه بیشتر تا رسیدن به مرتبه ولایت تکوینی و مقام خلیفه‌اللهی است. بالا رفتن در هر یک از این مراتب کمالیه، بدون نشان دادن شایستگی از طریق موفقیت در آزمون متناسب با آن مرتبه، میسر نیست. مقام امامت، زمانی به‌عنوان عطیه الهی به حضرت ابراهیم⁷ تفویض شد که در آزمون متناسب با آن، سربلند گردید (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (بقره: 124).

ورود به وادی ایمان، ملازم با آغاز ابتلائات الهی است. این‌گونه نیست که آدمی به زبان بگوید ایمان آوردم و بلافاصله در دریای کرامات و تنعمات مادی و معنوی از سوی حضرت باری "جل و علی" غوطه‌ور شود (أَحْسِبُ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ) (عنکبوت: 23). هر مرتبه‌ای از ایمان، آمیخته به نعمت و تفضلی متناسب با همان مرتبه و هر نعمتی با دشواری متناسب با همان آزمون، ملازم است. پس ابتلاء نیز هم‌چون رزق، جزء متصل ایمان و هر دو محکوم به اراده خاصه الهی است. این خدا است که با تکیه بر مصالح و حکمت عالی‌ه خویش اراده می‌کند هر بنده‌ای را در ورطه چگونگی آزمونی بیازماید. دنیا دار امتحان است. برخی را به دارائی و بهره‌مندی مادی و برخی دیگر را به نداری و فقر دنیوی مورد سنجش ایمان و تسلیم امر الهی بودن قرار می‌دهد (فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ) (فجر: 15). شاکر بودن در همه حال، جزء ضروری تقوا و حیات مؤمنانه در احوالی است که فصل مشترک همه آن‌ها امتحان است. پس بنده مؤمن در منظومه‌ای از داشته‌ها و فقدان‌ها و برخورداریه‌ها و محرومیت‌ها در آزمون مستمری قرار دارد که فوز و ظفر در آن، عمل به مقتضای شکر و شکر، عمل درست و منطبق با تکلیف یا همان تقوا است. بالاترین مرتبه شکر در سیر الی‌الله و صعود بنده مؤمن به مراتب کمالیه، مقام رضایت است (فجر: 27-30) که بنده واصل، خود در آن مرتبه، منشأ نعمت و برکت و رحمت بوده و عالم ماده و کون و مکان و هستی پیرامون، از وجود او متنعم‌اند. رسیدن به چنین مرتبه‌ای رنج کشیدن دارد، جفای خلق دارد. امام صادق⁷ به نقل از نبی مکرم اسلام⁹ فرمود مثل مؤمن، مثل زمین است که منافع مردم از آن و اذیت‌ها و آزار آنان نیز بر آن است. مردم، زمین را لگدمال می‌کنند، شخم می‌زنند و همه آلودگی‌های‌شان نیز روی زمین است و منافع خود را هم از همین زمین بر می‌دارند. سپس فرمود کسی که بر جفای مردم صبر نکند به مقام رضایت خدا نمی‌رسد چرا که رضای خدا آغشته به جفای مردم است (بحارالانوار، ج 68، ص 422).

هم‌چنان که در رویکرد عرفانی گذشت، اختلاف مراتب تقرب در افراد، ملازم با تفاوت در بهره‌مندی از مواهب رحیمیه است. آزمون بندگی و ابتلائات الهی نیز به نسبت این جایگاه، متفاوت خواهد بود. انسان مؤمن هر

قدر در این مراتب کمالیه صعود می‌کند به ابتلاء شدیدتری آزموده می‌شود «سَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ "ص" مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْتَلُ فَالْأَمْتَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيْمَانِهِ وَ مُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ مَتَّحَ إِيْمَانَهُ وَ مُسْنِ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَفَفَ إِيْمَانَهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ» (بحار الأنوار، ج 64، ص 207). محبوبیت، فصل مشترک آزمون شونندگان مورد اشاره در روایت مذکور است. بیشترین پاداش، مرهون توفیق در بزرگ‌ترین ابتلائات بوده و موفقین، محبوب‌ترین مؤمنین نزد پروردگارانند «إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَمَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ» (همان). نبی مکرم اسلام 9 که انسان کامل و در اعلا مرتبه کمال بود فرمود «مَا أُودِيَ نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أُودِيَتْ» (همان، ج 39، ص 56).

از دست دادن نعمت‌ها و داشته‌های مادی، از جمله محورها و چه بسا بتوان گفت کانون موضوعی آزمون بندگان مؤمن است (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره: 155). محرومیت نسبی از امنیت، گرسنگی، کاهش دارائی و رزق مادی و مرگ یا بیماری که فقدان، فصل مشترک همه آنها است، آزمون‌هایی هستند که بنده مؤمن با توکل خدا بر آنها فائق آمده و از این رهگذر، مشمول رحمت خاصه بیشتر می‌گردد (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ) (بقره: 156 و 157).

حاصل، این که خداوند بنده مؤمن را به طیفی از محرومیت‌ها می‌آزماید و دنیا را جایگاه وصول تام و تمام او به پاداش شایستگی‌های اش قرار نداده است. گاهی به عقوبت و گاهی به آزمونی که مقدمه ضروری تعالی است در تنگنای مادی گرفتار می‌آید. فراتر از این، دنیا به دلیل آمیختگی متلائم با نقصان، اساساً در ماهیت خویش از ظرفیت کاملی برای تنعم و بهره‌مندی، برخوردار نیست. نشئه مادی حیات، مشحون از نقص و لذت‌اش هم توأم با رنج است. دنیا جایگاه اصلی پاداش و کیفر صالحان و فاجران نیست تا آنان به تمام نعمت و اینان به تمام عقوبت خویش، مبتلا گردند. امام صادق 7 در تبیین چرایی ابتلاء بیشتر بندگان صالح‌تر، به این مهم اشاره نموده و فرمود «ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَ لَا عُقُوبَةً لِلْكَافِرِ» (علل الشرائع، ج 1، ص 44؛ بحار الأنوار، ج 64، ص 222). این سرا تنها جلوه‌گاهی از آن دو بوده و در نسبت با آن چه در قیامت بر پرده محشر آشکار خواهد شد، دنیا بهشت کافران و زندان مؤمنان است «الدُّنْيَا سَبْنُ الْمُؤْمِنِ وَ بِنَةُ الْكَافِرِ» (اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، ج 1، ص 52).

امتحان به ابتلائات دنیوی به عنوان مقدمه ضروری تعالی بیشتر در مراتب کمالیه، زمینه مساعد برخوردار و بهره‌مندی بیشتر از مواهب مادی را فراهم کرده و جلوه‌ای از سعادت حقیقی مؤمنان را به حکم ارده خاص ربوبی و در چارچوب حکمت و مصالح عالی، آشکار خواهد ساخت. خط سیر کلی حرکت حیات مادی انسان مؤمن و جامعه دینی، در پرتو التزام و استقامت در مسیر ایمان و تقوا، پیشرفت اقتصادی و برخوردار و بیشتر از نعمت‌های الهی بوده و آنچه به ظاهر، توقف یا عقب‌گرد جلوه می‌کند؛ مشروط به توفیق در آزمون الهی، در واقع گامی بلند و رو به جلو در این مسیر به‌شمار می‌رود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیشرفت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مرهون تلاش و به‌کارگیری عوامل متناسب با آن است.

الگوی غربی این عوامل را به علل مادی محدود کرده و از طریق کشف قوانین تکوینی حاکم بر عالم که نام دانش به خود می‌گیرد تولید سخت‌افزارها را مبنای سلطه بر طبیعت قرار می‌دهد. خداوند به حکم رحمانیت، ولایت و ربوبیت تکوینی خویش چنین امکانی را در اختیار همه انسان‌ها از مؤمن و کافر و صالح و طالح قرار داده است. عالم اما در رویکرد اسلامی، تنها متأثر از عوامل مادی نبوده و دایره علل به عناصر غیر مادی، توسعه می‌یابد. ایمان و تقوا در کنار هم، عامل یگانه غیر مادی مؤثر در جهان هستی است. انسان مؤمن و جامعه دینی از این رهگذر برای شمول رحمت رحیمیه و نزول برکات آسمان و زمین، به اراده خاصه الهی، شایستگی می‌یابد. سعه وجودی حاصل از ایمان و عمل صالح، استعداد و قابلیت دریافت فیض و رحمت خاصه الهی را در انسان مؤمن ایجاد می‌کند و با توجه به درجات و مراتب آن، هم‌چنان‌که انسان کافر اساساً فاقد چنین زمینه‌ای است، بهره‌مندی مؤمنین نیز از نتایج حاصل از آن در افراد مختلف، متفاوت می‌شود.

پس رحمت رحیمیه، هم‌چون رحمت عمومی و رحمانیه که تحت اراده عام الهی است تحقق‌ی بالضروره و بی‌فاصله از زمان تحقق علت تامه نداشته و به حکم اراده خاصه الهی، بهره‌مندی از مواهب طبیعی در مورد هر فرد مؤمن با عنایت به حکمت و مصالح عالی‌ای که صرفاً در گستره علم حضرت حق "جل و علی" است، کاستی و فزونی می‌یابد. کیفر گناه و امتحان از جمله عواملی است که بنده مؤمن را در حیات مادی خویش دچار محرومیت و فقدان می‌کند. استقامت در بندگی و سربلندی از ابتلائات امتحانی خداوند، حرکت در مسیر تعالی مادی و معنوی را تداوم می‌بخشد و به‌رغم نمود ظاهری رکود و عقب‌گرد در پیشرفت همه‌جانبه جامعه دینی، خود گامی رو به جلو در راستای نیل به مقصود، به‌شمار می‌رود.

بر این مبنا که بر مراتب عالی‌ه معرفت حضرت ربوبی و توحید حقیقی استوار است، جامعه دینی باید برنامه تکامل و پیشرفت خود را بر گسترش ایمان و تقوا متمرکز ساخته و در عین برنامه‌ریزی عالمانه و تلاش در راستای دستیابی به قوانین تکوینی و عمل به دانش تجربی، نقطه کانونی سیاست‌گذاری خود را فرهنگ و تعالی آحاد و ساختارهای جامعه در مسیر ایمان و تقوا قرار دهد. در این رویکرد، راه اقتصاد از فرهنگ می‌گذرد. خروجی الگوی توسعه غربی، تکنولوژی (سخت‌افزار) و خروجی الگوی پیشرفت اسلامی در درجه اول، انسان کامل (نرم‌افزار) است. تربیت انسان کامل، سرعت دستیابی به خروجی سخت‌افزاری درجه دوم را افزایش داده و بهره‌مندی مضاعف جامعه دینی از مواهب طبیعی را مهیا خواهد ساخت.

بهره‌مندی فردی از مواهب حاصل از ایمان و عمل صالح، مرهون هدایت و سلامت اجتماعی بوده و انسان مؤمن در منطق اسلامی، علاوه بر تلاش در تهذیب نفس و تقرب الی الله، رستگاری خود را در گرو صلاح و سعادت جامعه تعریف می‌کند (انفال: 25). روحانیت در بعد فردی و سازمانی در چنین جایگاهی حضور داشته و گسترش ایمان و عمل صالح در طول تاریخ، مرهون تلاش عالمان دینی و صالحان بوده است. تمرکز توان و ظرفیت حوزه‌های علمیه بر رسالت اصیل و بنیادین گسترش ایمان و عمل صالح، مسیر پیشرفت و بهره‌مندی جامعه دینی از مواهب مادی را هموار کرده و حمایت‌های مادی و معنوی دولت و حکومت اسلامی به ایشان، اقدامی در راستای تحقق پیشرفت و برنامه اقتصادی نظام اسلامی به‌شمار خواهد آمد.

قرآن کریم

امام خمینی، روح‌الله؛ شرح دعای سحر، ترجمه سیداحمد فهری، انتشارات فیض کاشانی، چاپ سوم، تهران:

1384

جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد 17 (جامعه در قرآن)، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، قم:

1391

حسن‌زاده آملی، حسن؛ ولایت تکوینی، انتشارات قیام، قم: 1371

سبحانی، جعفر؛ ولایت تکوینی و تشریحی از دیدگاه علم و فلسفه، انتشارات مؤسسه امام صادق 7، چاپ دوم، قم:

1385

سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، انتشارات هجرت، قم: 1414ق

صدوق، محمد بن علی بن حسین؛ اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، شرح شیخ مفید (تصحیح الاعتقاد)، نشر

کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، قم: 1414ق

صدوق، محمد بن علی بن حسین؛ علل الشرایع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، قم:

1380

صدوق، محمد بن علی بن حسین؛ معانی الأخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، دار الکتب الاسلامیه،

چاپ دوم، تهران: 1377

طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی،

چاپ پنجم، قم: 1374

طباطبائی، سید محمدحسین؛ رساله الولاية [طریق عرفان؛ ترجمه و شرح رساله الولاية]، ترجمه و شرح صادق

حسن‌زاده، کتابسرای اشراق، قم: 1383

طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران: 1372

طوسی، محمد بن الحسن؛ مصباح‌المتجهّد و سلاح‌المتعبّد، مؤسسه فقه‌الشیعه، بیروت: 1411ق

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم: 1415ق

قمی مشهدی محمد بن محمدرضا؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد

اسلامی، تهران: 1368

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان

چاپ و انتشارات)، چاپ اول، تهران: 1368

کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ البلد الامین و الدرع الحصین، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت: 1418ق

کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ المصباح للكفعمی (جنه‌الامان الواقیه)، دار الرضی (زاهدی)، چاپ دوم، قم:

1405ق

کمره‌ای، محمد باقر؛ گنجینه معارف شیعه (ترجمه کنز الفوائد و التعجب)، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران:

- مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، انتشارات اسلامیة، تهران: بی تا
- محدث نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت: بیروت: 1408 هـ ق
- مرادخانی تهرانی، احمد؛ سنت‌های اجتماعی الاهی در قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: 1386
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران: 1383
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ به‌سوی تو، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، قم: 1383
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، قم: 1390
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ ره‌توشه (پندهای پیامبر 9 به ابوذر)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم، قم: 1391
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم، قم: 1391
- نجمی، محمد صادق؛ سخنان حسین بن علی 7 از مدینه تا کربلا، انتشارات بوستان کتاب، چاپ یازدهم، قم: 1386
- نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت:، چاپ اول، قم: 1408 ق
- اله‌بداشتی، علی؛ اراده خدا (از دیدگاه فیلسوفان، متکلمان و محدثان)، بوستان کتاب، چاپ اول، قم: 1381.